سرمقاله

رسوایی اپستین و پرسش‌های بی‌پاسخ قدرت

ادامه از صفحه ۱

ـ مرگ او در زندان نیویورک در سال ۲۰۱۹ که رسماً «خودکشی» اعلام شد، نه‌تنها به بسته شدن پرونده منجر نشد، بلکه به دامنه تردیدها و پرسش‌ها افزود؛ پرسش‌هایی که امروز بیش از گذشته، نهادهای قدرت در ایالات متحده را در معرض اتهام قرار داده است.

جزیره خصوصی اپستین که به نماد این رسوایی بدل شده، تنها یک مکان نیست، بلکه نشانه‌ای است از سازوکارهایی که در آن ثروت، نفوذ و مصونیت می‌توانند سال‌ها مانع دیده شدن حقیقت شوند. این پرسش همچنان پابرجاست که چگونه فردی با چنین سابقه‌ای توانست در حلقه‌های بسته سیاست، اقتصاد و حتی نهادهای علمی و فرهنگی آمریکا و اروپا رفت‌وآمد داشته باشد، بی‌آنکه نظارت مؤثری مانع ادامه فعالیت‌های او شود؟

افشاگری‌های اخیر، به‌ویژه انتشار تدریجی اسناد مرتبط با این پرونده نشان می‌دهد که ماجرا فراتر از رفتار مجرمانه یک فرد بوده است. نام‌های مطرح‌شده، هرچند هنوز بعضی از آنها در سطح اتهام یا ارتباط غیرمستقیم باقی مانده‌اند، این واقعیت را برجسته می‌کند که شبکه‌های قدرت، وقتی با پول و نفوذ درهم می‌آمیزند، می‌توانند خلأهای جدی در نظام پاسخگویی ایجاد کنند.

سانسور بخشی از اسناد و تعلل در انتشار کامل اطلاعات، خود به یکی از محورهای اصلی انتقاد در داخل آمریکا بدل شده است. افکار عمومی می‌پرسد اگر اصل شفافیت و برابری در برابر قانون، سنگ بنای نظام سیاسی آمریکاست، چرا در پرونده‌ای با این درجه از اهمیت، حقیقت به صورت کامل و بی‌پرده در اختیار جامعه قرار نمی‌گیرد؟ این پرسش بیش از آنکه حقوقی باشد، ماهیتی سیاسی و نهادی دارد.

رسوایی اپستین در شرایطی برجسته شده که جامعه آمریکا با بحران اعتماد به نهادها روبروست. شکاف‌های سیاسی، منازعات حزبی و مناقشه بر سر تمرکز رسانه‌ها پیش از این نیز فضای عمومی را ملتهب کرده بود. اکنون این پرونده به‌عنوان نمونه‌ای نمادین، به این بی‌اعتمادی دامن زده است.

در این میان، هر جناح سیاسی روایت خاص خود را از ماجرا ارائه می‌دهد و دیگری را به پنهان‌کاری یا بهره‌برداری سیاسی متهم می‌کند.

در چنین فضایی، این خطر وجود دارد که اصل مسئله ـ یعنی پاسخگویی واقعی و اصلاح ساختارهای معیوب ـ در میان جدال‌های تبلیغاتی گم شود. تجربه نشان داده که وقتی پرونده‌های بزرگ به ابزار رقابت سیاسی تبدیل می‌شوند، حقیقت اغلب قربانی اول این رقابت است.

ایالات متحده سال‌هاست که خود را مدافع حاکمیت قانون، شفافیت و حقوق بشر معرفی می‌کند. اما رسوایی‌هایی از جنس پرونده اپستین، این تصویر را در نگاه افکار عمومی جهان مخدوش می‌سازد. برای کشورها و جوامعی که پیش‌تر نیز نسبت به صداقت واتنگتن تردید داشته‌اند، این پرونده به‌عنوان شاهدی بر دوگانگی میان شعار و عمل تلقی می‌شود.

این موضوع بویژه در شرایطی اهمیت می‌یابد که آمریکا همچنان می‌کوشد نقش رهبری خود در نظام بین‌الملل را حفظ کند. کاهش اعتماد اخلاقی، حتی اگر به طور مستقیم به تغییر سیاست‌ها نینجامد، در بلندمدت بر قدرت نرم این کشور اثر خواهد گذاشت.

درغرب آسیا، پرونده اپستین بیشتر از زاویه سیاسی و رسانه‌ای دنبال شده است تا حقوقی. بسیاری از تحلیل‌ها این پرونده را نشانه‌ای از فساد ساختاری در نظام قدرت آمریکا می‌دانند و آن را در تقابل با گفتمان رسمی واتنگتن برجسته می‌کنند. بدیهی است که این نگاه، به تقویت روایت‌های انتقادی و گاه ضدآمریکایی در منطقه کمک می‌کند.

ازسوی دیگر، درگیرشدن آمریکا با پیامدهای داخلی چنین رسوایی‌هایی، قاعدتا می‌تواند تمرکز و ابتکار عمل آن را در سیاست خارجی کاهش دهد.

دولتی که ناچار است انرژی قابل توجهی را صرف مدیریت بحران اعتماد در داخل کند، طبیعتاً با محدودیت‌هایی در کنشگری خارجی مواجه خواهد شد؛ موضوعی که برای معادلات پیچیده غرب آسیایی اهمیت نیست.

با این حال رفتار دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا در خارج، سؤال برانگیز است زیرا او به گونه‌ای رفتار می کند که گویا چنین رسوائی بزرگی در داخل وجود ندارد و لو نباید پاسخگو باشد. در حالی که بیشترین خبرها و عکس های منتشر شده از این جزیره به شخص ترامپ مربوط می شود.

اینک یک سؤال مهم این است که چه جریان و نهادی پشت این افشاگری وجود دارد و آیا دادگستری آمریکا سرخود به این کار دست زده است؟ این سؤال، خود سؤال دیگری را مطرح می کند و آن اینکه آیا لابی صهیونیستی که تا مغز استخوان در تاروپود دولت و جامعه آمریکا نفوذ دارد، می تواند از این رسوائی بی اطلاع باشد و تقشی در آن نداشته باشد؟ طبعا پاسخ منفی است. بویژه که مدارک زیادی حاکی از ارتباط جفری اپستین با موساد اسرائیل است و شخصیت هائی از این منطقه که با اپستین ملاقات کرده و عکس گرفته اند هدفشان به احتمال قوی، استفاده از لابی صهیونیستی در آمریکا برای پیشبرد اهداف خود بوده، نه سفر به جزیره بدنام.

در همین رابطه یک تحلیلگر آمریکایی نوشته است "پرونده اپستین فقط یک رسوایی اخلاقی نیست بلکه باید آن را به‌عنوان یک «عملیات اطلاعاتی برای جمع‌آوری اهرم فشار» دید؛ رسانه‌ها از پرداختن به ارتباطات اپستین با اسرائیل و موساد می‌ترسند و با سکوت، حقیقت را پنهان می‌کنند".

شبکه الجزیره قطر هم اخیرا گفته است "اپستین به عنوان سفیر غیر رسمی اسرائیل عمل می کرده و کار ویژه اش آلوده کردن افراد تاثیر گذار در رابطه با اسرائیل بوده است.

"بر این اساس، برخی تحلیلگران با توجه به لشکر کشی ترامپ به منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران و این ادعا که بین ترامپ و نتانیاهو اختلاف نظر وجود دارد، احتمال داده اند که نتانیاهو در سفر اخیرش به واشنگتن و ملاقات با ترامپ، با استفاده از این اهرم کوشیده است ترامپ را با نظر خود همراه کند. به هر حال افشای میلیون ها سند مربوط به این رسوائی ادامه دارد و بررسی آنها و درک تاثیر این رسوائی بر داخل آمریکا و روابط بین الملل، به زمان بیشتری نیاز دارد.

محمدعلی مهتدی
Alborz.payam@gmail.com

پیام آشنا ضرورت اصلاح دهک‌بندی خانوار را بررسی کرد

تذکر مجلس به وزیر رفاه: این بار آخر است!

اختصاصی پیام آشنا- مجلس شورای اسلامی با انتقاد شدید از دهک‌بندی‌های فعلی خانوارها، آنها را ناقص و ناعادلانه خواند و به وزیر رفاه هشدار داد: «این بار آخر است». رئیس مجلس تأکید کرد که اصلاح فوری دهک‌بندی‌ها برای هدفمندسازی یارانه‌ها و حمایت از قدرت خرید خانوارهای کم‌درآمد ضروری است.

دهک‌بندی‌ها ناکارآمد و ناعادلانه

در جلسه علنی روز یکشنبه ۲۶ بهمن‌ماه، قالیباف در پاسخ به تذکر حسینعلی حاجی‌دلیگانی، نماینده شاهین‌شهر، گفت که دهک‌بندی فعلی خانوارها تنها جنبه جمعیتی دارد و «هیچ نسبتی با قدرت خرید و توان اقتصادی مردم ندارد».

وی افزود: «بر اساس داده‌های سامانه رفاه ایرانیان، خوشه اول شامل فقیرترین خانوارهاست که حدود ۳۴ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، در حالی که خوشه هشتم تنها ۴۰۰ هزار نفر را در بر می‌گیرد».

رئیس مجلس تأکید کرد که هدف از اصلاح دهک‌بندی، ایجاد سیاست‌های جبرانی دقیق و عادلانه است و افزود: «یارانه‌ها نباید به‌صورت یکنواخت پرداخت شوند، بلکه باید با در نظر گرفتن توان اقتصادی واقعی خانوارها، توزیع منابع صورت گیرد».

وی همچنین با اشاره به قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی (دوام) گفت: «۲۳ تا ۲۵ دستگاه دولتی مکلف به ارائه داده‌های خود به وزارت رفاه هستند و هرگونه کوتاهی در این زمینه خلاف قانون است و باید از سوی کمیسیون اصل ۹۰ پیگیری شود».

این تذکر نشان‌دهنده نگرانی نمایندگان مجلس از ناکارآمدی دهک‌بندی‌های فعلی در سیاست‌های رفاهی و هدفمندسازی یارانه‌هاست. داده‌های ناکافی و عدم اتصال سامانه‌ها باعث شده تا برخی افراد کم‌درآمد در دهک‌های بالاتر قرار گیرند و منابع رفاهی به شکل ناعادلانه توزیع شود. به گفته قالیباف، اصلاح این سازوکار نه تنها عدالت اجتماعی را افزایش می‌دهد، بلکه ابزار مهمی برای حفظ قدرت خرید خانوارها در مواجهه با تورم و فشار اقتصادی خواهد بود.

ضرورت اصلاح دهک‌بندی خانوار

دهک‌بندی خانوار یکی از پایه‌های اصلی سیاست‌های رفاهی و هدفمندسازی یارانه‌ها در ایران است. در حال حاضر، طبق گفته مجلس، دهک‌های موجود صرفاً جمعیتی هستند و با توان واقعی اقتصادی خانوارها همخوانی ندارند. این یعنی برخی خانوارهای کم‌درآمد به اشتباه در دهک‌های بالاتر قرار می‌گیرند و بالعکس. پیامد این ناهمسانی‌ها، توزیع ناعادلانه یارانه‌ها و منابع رفاهی است و فشار اقتصادی و تورم بر مردم ضعیف را تشدید می‌کند.

ابعاد مشکل:

۱. عدم همخوانی با قدرت خرید واقعی: داده‌ها نشان می‌دهند که خوشه اول، شامل فقیرترین خانوارها ۳۴ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، اما دهک‌بندی جمعیتی این واقعیت را پوشش نمی‌دهد. این مسئله باعث می‌شود افراد فقیر واقعی منابع رفاهی کافی دریافت نکنند و فشار اقتصادی بر آنان افزایش یابد.

۲. ناتوانی سامانه‌ها در اتصال داده‌ها: هنوز سامانه‌های اصلاف، استان و سایر سامانه‌های اقتصادی به سامانه رفاه ایرانیان متصل نیستند. بدون این اتصال، تصویر واقعی وضعیت خانوارها ناقص است و داده‌ها برای تصمیم‌گیری دقیق درباره یارانه‌ها کافی نیستند.

۳. تبعات اقتصادی و اجتماعی: دهک‌بندی غلط موجب می‌شود منابع یارانه‌ای به افراد با درآمد متوسط یا بالاتر اختصاص یابد و فشار معیشتی بر اقشار آسیب‌پذیر بیشتر شود. این نابرابری می‌تواند باعث تشدید نارضایتی اجتماعی و کاهش اعتماد مردم به سیاست‌های رفاهی شود.

اصلاح دهک‌بندی خانوار یک ضرورت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. از منظر اقتصادی، پرداخت یارانه هدفمند و متناسب با توان واقعی خانوارها، قدرت خرید و معیشت مردم را حفظ می‌کند و جلوی تشدید تورم و فقر را می‌گیرد. از منظر سیاسی، مجلس با تأکید بر «آخرین تذکر» به دولت نشان داده که شفافیت و عدالت اقتصادی در سیاست‌های رفاهی، یک اولویت ملی است و هیچ کوتاهی در این زمینه پذیرفته نخواهد شد.

ابعاد بودجه‌ای و کالابرگ

در جریان بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۵، نمایندگان جدول شماره ۱۴ با عنوان منابع هدفمندسازی یارانه‌ها را تصویب کردند. مجموع منابع این جدول ۳۱ میلیون و ۵۹۰ هزار میلیارد ریال تعیین شده و پس از کسر ارقام جمعی-خرجی، ۲۳ میلیون و ۲۱۰ هزار میلیارد ریال برای هدفمندی باقی مانده است.

غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون تلفیق بودجه، وعده داده است که سهم کالابرگ‌ها متناسب با تورم افزایش خواهد یافت تا توان مالی خانوارها حفظ شود. این اقدام نشان می‌دهد که مجلس و دولت در تلاشند سیاست‌های جبرانی را با عدالت بیشتر و تأثیرگذاری بالاتر به اجرا درآورند و فشار اقتصادی بر خانوارهای کم‌درآمد کاهش یابد.

موضع اخیر قالیباف و مجلس نشان می‌دهد که اصلاح دهک‌بندی‌ها و شفافیت داده‌های اقتصادی خانوارها یک ضرورت فوری برای سیاست‌های رفاهی و بودجه‌ای کشور است. با ادامه این روند، سیاست‌های جبرانی و اجرای طرح کالابرگ می‌تواند با عدالت بیشتر و اثربخشی بالاتر، منابع را به صورت هدفمند در اختیار خانوارهای کم‌درآمد قرار دهد و توان مالی آنان را در مواجهه با تورم حفظ کند.

در نشست ستاد انتخابات البرز انجام شد

بررسی روند ثبت‌نام داوطلبان انتخابات شوراها در البرز

نشست ستاد انتخابات البرز به ریاست مجتبی عبداللهی برگزار شد و در آن روند ثبت‌نام داوطلبان هفتمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا و تمهیدات اجرایی انتخابات مورد بررسی قرار گرفت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از کمیته اطلاع‌رسانی ستاد انتخابات البرز، نشست ستاد انتخابات استان البرز با حضور استاندار البرز، اعضای ستاد، فرمانداران و رؤسای کمیته‌های ستاد انتخابات استان برگزار شد

در این جلسه، آخرین وضعیت ثبت‌نام داوطلبان در شهرستان‌های مختلف استان ارائه و میزان مشارکت متقاضیان بررسی شد.

همچنین هماهنگی‌های بین‌بخشی، آمادگی زیرساخت‌های فنی و نیروی انسانی و برنامه‌ریزی‌های لازم برای ادامه فرآیند اجرایی انتخابات مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

استاندار البرز در این نشست بر لزوم رعایت دقیق قانون، حفظ بی‌طرفی مجریان و صیانت از آرای مردم تأکید کرد و خواستار آمادگی کامل تمامی دستگاه‌های مسئول برای برگزاری انتخاباتی سالم و قانونمند شد.

در پایان نیز بر تداوم جلسات هماهنگی و پیگیری مستمر امور تا زمان برگزاری انتخابات تأکید شد.

از منهتن تا مونیخ؛ تجمعات کم‌رمق با چاشنی شرکت کنندگان اجاره‌ای

همزمان با گردهمایی سلطنت‌طلبان در مونیخ تصاویر متعددی از تدارک اتوبوس، جمع‌آوری پول برای انتقال سلطنت‌طلبان و وعده‌های غذایی و حتی کمک‌های مالی برای انتقال افراد از شهرهای اروپایی منتشر شد

به گزارش پیام آشنا به نقل از مهر، عصر شنبه همزمان با برگزاری تجمعی محدود از سوی برخی جریان‌های سلطنت‌طلب در شهر مونیخ، بار دیگر موضوع سازمان‌دهی‌های پشت‌پرده و تلاش برای بزرگ‌نمایی جمعیت مورد توجه رسانه‌ها و کاربران شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت. این تجمع که با فراخوان چندروزه از سراسر اروپا برگزار شد، در نهایت تنها با حضور چند هزار نفر شکل گرفت؛ رقمی که در مقایسه با جمعیت چندین میلیونی ایرانیان مقیم اروپا، بسیار ناچیز و دور از ادعاهای مطرح‌شده از سوی برگزارکنندگان بود.

در روزهای منتهی به این گردهمایی، تصاویر متعددی از تدارک اتوبوس، جمع‌آوری پول برای انتقال سلطنت‌طلبان بی‌پول به مونیخ، وعده‌های غذایی و حتی کمک‌های مالی برای انتقال افراد از شهرهای مختلف اروپایی منتشر شد. برخی گزارش‌ها نیز از حضور مهاجرانی از کشورهایی نظیر لوکزامبورگ حکایت داشت که با مشوق‌های مالی برای افزایش جمعیت به محل تجمع آورده شده‌اند.

نکته قابل توجه آن است که این نخستین بار نیست که چنین الگوی سازمان‌دهی مشاهده می‌شود. پیش‌تر نیز گروه‌های هم‌چون منافقین در برنامه‌های خود در اروپا، از شیوه‌های مشابه برای افزایش ظاهری تعداد شرکت‌کنندگان استفاده کرده بودند؛ رویکردی که اکنون به نظر می‌رسد به برخی جریان‌های سلطنت‌طلب نیز تسری یافته است. بارها شاهد بوده‌ایم که برای مثال وقتی رئیس جمهوری اسلامی ایران در مقر سازمان ملل در نیویورک حاضر می‌شد، جمعیتی ساده‌وبیچاره دست خوالی منهتن در حال قدم زدن بودند و بلافاصله دهها اتوبوس هم در دست گرفته بودند.

تناقض آشکار ماجرا آنجاست که طی سال‌های گذشته، بخشی از همین طیف رسانه‌ای و سیاسی خارج‌نشین، با ترسیم تصویری رؤیایی از زندگی در غرب، مردم داخل ایران را به مهاجرت تشویق می‌کردند و از «حمایت گسترده ایرانیان خارج از کشور» سخن می‌گفتند. اما حتی برای برگزاری یک تجمع سیاسی در قلب اروپا، ناچار به تدارک اتوبوس و مشوق‌های مالی شده‌اند؛ موضوعی که بیش از هر چیز، ضعف پایگاه اجتماعی واقعی آنان را آشکار می‌کند.

این در حالی است که راهپیمایی ۲۲ بهمن هر ساله در سراسر ایران و در دهها شهر بزرگ و کوچک برگزار می‌شود و تنها یک فریم از تصاویر این راهپیمایی حاکی از آن است که میلیون‌ها نفر در آن شرکت می‌کنند؛ حضوری که بدون نیاز به مشوق‌های مالی و سازماندهی‌های پرهزینه خارجی، و با اتکا به پایگاه ذاتی و طبیعی مردمی انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد. مقایسه این دو صحنه ــ از تجمع چند هزار نفری با تدارکات ویژه در اروپا تا راهپیمایی میلیونی در شهرهای مختلف ایران ــ بیش از هر تحلیل دیگری گویای فاصله میان ادعا و واقعیت است؛ فاصله‌ای که نشان می‌دهد پروژه «نمایش جمعیت» در خارج از کشور، با واقعیت اجتماعی آن همخوانی چندانی ندارد و منافقین و سلطنت طلبان صرفاً در توییتر و اینستاگرام پروپاگاندا و سر و صدا دارند.

تخت روانچی: مسئله غنی‌سازی صفر مطرح نیست؛ توپ در زمین آمریکاست

معاون وزیر خارجه ایران تاکید کرد که برای رسیدن به توافق، آمریکا باید صادقانه اقدام کند و مسیر مذاکرات غیرمستقیم به نتیجه، به رفتار واقعی طرف آمریکایی بستگی دارد.

به گزارش پیام آشنا، مجید تخت روانچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه ایران در مصاحبه با شبکه بی‌بی‌سی درباره مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا گفت: توپ در زمین آمریکاست تا ثابت کند که می‌خواهد به توافق برسد. اگر آن‌ها صادق باشند مطمئنم که در مسیر توافق خواهیم بود.

وی افزود: اگر آن‌ها آماده صحبت در مورد تحریم‌ها باشند، ما آماده‌ایم در مورد این موضوع و سایر مسائل مربوط به برنامه هسته‌ای خود بحث کنیم.

تخت روانچی در مورد اینکه آیا ایران موافقت خواهد کرد که ذخایر ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده با خلوص بالا را مانند توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ از ایران خارج کند، گفت: خیلی زود است که بگوییم در جریان مذاکرات چه اتفاقی خواهد افتاد.

وی همچنین گفت: برداشت ما این است که آن‌ها (آمریکایی‌ها) به این نتیجه رسیده‌اند که اگر می‌خواهید توافقی داشته باشید، باید بر مسئله هسته‌ای تمرکز کنید.

معاون وزیر خارجه تاکید کرد: مسئله غنی‌سازی صفر دیگر مطرح نیست و تا جایی که به ایران مربوط می‌شود، روی میز مذاکره نیست.

مذاکره‌کننده ایران همچنین بر امتناع تهران از بحث در مورد برنامه موشک‌های بالستیک خود با آمریکا تأکید کرد.

وی گفت: وقتی مورد حمله اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها قرار گرفتیم، موشک‌های ما به کمک ما آمدند. پس چگونه می‌توانیم بپذیریم که خودمان را از قابلیت‌های دفاعی‌مان محروم کنیم؟

تخت روانچی همچنین در خصوص رفتار آمریکا در مذاکرات گفت: ما می‌شنویم که آن‌ها به مذاکره علاقه‌مند هستند. آن‌ها این را علناً گفته‌اند؛ در مکالمات خصوصی هم از طریق عمان گفته‌اند که علاقه‌مند به حل مسالمت‌آمیز این مسائل هستند.

وی همچنین در واکنش به حضور نیروهای آمریکایی در منطقه گفت: اگر احساس کنیم این یک تهدید وجودی است، متناسب با آن پاسخ خواهیم داد.

این مقام ارشد ایرانی درباره گفتگو فشرده با منطقه درباره مذاکرات گفت: ما شاهد یک هم‌نظری تقریباً یکپارچه در منطقه علیه جنگ هستیم.

او گفت: ما امیدواریم که بتوانیم این کار را از طریق دیپلماسی انجام دهیم، اگرچه نمی‌توانیم ۱۰۰٪ مطمئن باشیم و افزود که ایران باید هوشیار باشد تا غافلگیر نشود.

طبق نوشته بی‌بی‌سی، تخت روانچی تایید کرده که دور دوم مذاکرات قرار است روز سه‌شنبه در ژنو برگزار شود.

وی گفت که این مذاکرات «کم و بیش در جهت مثبتی پیش رفته است، اما برای قضاوت خیلی زود است».